**سندی راجع بشورش با بیان زنجان در زمان سلطنت ناصرالدین شاه**

**ضیائی، محمد صادق**

شورش بابیان زنجان در سال 1266 هجری و جنگ آنان با قوای دولتی از وقایع‏ مهم دوران سلطنت ناصر الدین شاه است که نزدیک به یکسال توجه دولت وقت را بخود مشغول‏ داشته و سرانجام با پیروزی نیروهای دولتی و قتل ملا محمد علی زنجانی پیشوای فرقهء بابیان‏ پایان یافته است.تفصیل این واقعه را رضا قلی خان هدایت در روضة الصفای ناصری،و حاجی‏ میرزا جانی کاشانی در نقطة الکاف،و اعتضاد السلطنه در فتنهء باب(که چند سال قبل با تعلیمات‏ دانشمند محترم آقای دکتر عبد الحسین نوائی در مجلهء یغما و جداگانه نیز چاپ و انتشار یافته بود)نوشته‏اند.اما هیچ‏یک از این مؤلفین شخصا ناظر و شاهد این حادثهء تاریخی‏ نبوده‏اند.

شرحی که در زییر بنظر خوانندگان گرامی مجله یغما میرسد به قلم یکی از علماء زنجان که خود شاهد جزئیات این حادثه تاریخی بوده نوشته شده است.این عالم بزرگ‏ مرحوم آقا سید محمد زنجانی معروف به سید مجتهد1مؤلف کتاب(لسان الصدق)است.

سید مجتهد این کتاب را که در تفسیر آیات قرآنی و مناسک حج است هنگامی تألیف‏ کرده که همراه اهالی زنجان و قوای دولتی با ملا محمد علی زنجانی مشغولی جهاد بوده و خوشبختانه نسخهء خطی این کتاب در کتابخانهء خصوصی یکی از احفاد دانشمند ایشان محفوظ مانده است.

در این کتاب مرحوم سید مجتهد ضمن تفسیر چند آیه از آیات قرآن مجید اشاراتی‏ هم به شورش بابیان و قیام ملا محمد علی زنجانی کرده است.این اشارات چون درحین‏ زدوخورد قوای دولتی با طرفداران شخص مزبور برشتهء تحریر درآمده و انعکاسی از خاطرات‏ شخصی و مشاهدات مؤلف است که بروشن کردن بعضی از جزئیات این حادثهء تاریخی کمک‏ میکند و شاید ارزش تاریخی آن در اینمورد بیشتر از مندرجات مؤلفات سابق الذکر باشد. درعین‏حال باید اذعان داشت مؤلف کتاب در حال جنگ با ملا محمد علی زنجانی و پیروان‏ باب بوده و ممکن است محققانی که این قبیل حوادث تاریخی را با بیطرفی کامل مورد بررسی‏ قرار میدهند بگویند مندرجات کتاب مزبور از لحاظ تعصب مذهبی نویسنده آن و دشمنی وی‏ با بابیان نمیتواند کاملا ارزش تاریخی و تحقیقی داشته باشد.بفرض اینکه چنین ایرادی عنوان‏ شود بازهم باید گفت این یادداشتها و اشارات مندرج در کتاب مزبور از لحاظ ضبط دقیق‏ (1)-مرحوم سید مجتهد سرسلسلهء خاندان مجتهدی زنجان و جد اعلای عالم جلیل آقای‏ حاج آقا عز الدین امام جمعه زنجان است.علاوه بر مقام علمی و تألیفاتی که داشته تولیت‏ مسجد بزرگ سلطانی زنجان نیز با وی بوده است.این مسجد که از بناهای تاریخی عصر قاجاریه است و عبد اللّه میرزا دارا فرزند فتحعلی شاه آنرا بنا نهاده از زمان تولیت سید مجتهد به مسجد سید معروف گردیده و اکنون نیز بهمین اسم معروف است.

آمار تلفات طرفین و تاریخ اعزام قوای دولتی از تهران بزنجان و تاریخ صحیح قتل ملا محمد علی‏ زنجانی پیشوای بابیان مورد استفاده و استناد محققین بی‏غرض واقع خواهد شد.بهمین‏ دلیل امیدوار است انتشار این یادداشتها در مجلهء یغما مورد توجه دوستداران مباحث تاریخی‏ و ارباب فضل و تحقیق قرار گیرد.محمد صادق ضیائی

«.....و باید دانست اعظم جهاد،جهاد گروهی است که اظهار اسلام و ایمان کنند و انعقاد نطفه و تولدشان از مسلمین مؤمنین باشد و بعد خارج از اسلام و ایمان شوند معتقد بدین دیگر غیر از دین سید المرسلین خاتم الانبیاء علیه آلاف التحیه و الثنا شوند،ازدحام و اشهار سلاح نمایند و خوف بر بیضهء اسلام باشد،و علاوه ارادهء قتل نفوس اهل دین حق و اخذ اموال‏ ایشان نمایند در اینصورت بر اهل اسلام و ایمان بامر فقهاء که قائم‏مقام و نایب عام امام عصر علیه السلام است جهاد و قتال نمایند.مثل جماعت بابیه که در بلدهء زنجان عجب مجمع و کثرت‏ دارند با اشهار سلاح و ایعاد و تخویف اهل ایمان بقتل و اخذ اموال ایشان در اطفاء دین منیف‏ جناب خاتم صلی اله علیه و آله و ابطال مذهب حنیف ائمه اثنی عشر علیهم السلام میکوشند،که‏ اعراض از دین و مذهب و کتاب همه منسوخ است بدین و کتاب سید علی محمد شیرازی،و اعتقاد و عمل بکتاب جعلی و دین اختراعی نمایند.

مدت دو ماه است با ایشان جهاد و قتال داریم بقدر هفتاد و سه نفر از جوانان اهل ایمان‏ شهید و کشته شده‏اند و سیصد نفر از این کفره ضاله مضله کشته شده.الان در آخر شهر شعبان‏ المعظم مشغول جهادیم تا خداوند قادر جاعل دین بحرمت محمد و آل محمد نصرت و امداد فرمایند.ملعون ملا محمد علی زنجانی دو سال قبل غلوبین داشت بعد از مقالت باب تصدیق وی‏ کرده خود را حجت و امام از جانب او دانسته و در این سه روز در ملاء عام گفته امروز آیه‏ و وحی بمن رسید،و این دلیل ادعای نبوتش شده باوجوداین احوال در این ایام شدت‏ عداوتش بحضرت مرتضی علی و اولاد طاهرینش علیهم السلام ظهور و بروز یافته که در اوسط شهر محبوسین حبس آن ملعون که از اهل ایمانند وقت قتال و جهاد دستگیر شده بودند در حبس از راه‏ ضیق و شدت عقوبت غلاة دو نفر مؤمن را بحکم کافر سفاک در حضور محبوسین کشته بودند، و همه اعضاء ایشان را قطعه‏قطعه کرده بودند،و چند روز مانده بود و عفونت برداشته‏ زیاده از همه شدت بنا گذاشته بودند استغاثه در درگاه خالق رحمان عزت اسمائه الشریفه‏ نمایند بطور جهاد فریاد یا اللّه ترا بفرق شکافتهء حضرت امیر المؤمنین و بشهادت امام حسین‏ علیهما السلام قسم میدهیم ما را از این تنبیه و عقوبت خلاصی ده که رضا بمرگ داده‏ایم، ملعون بدتر از ابلیس و دجال و کذاب و یزید و ابن زیاد از درون خانه بیرون میآید،بدهلیز خانه میرسد مشرف بر محبوسین،اولاسب و دشنام بدین و مذهب منیفین هردو میکند،بعد میگوید:ای اهل ارتداد که دین حق را قبول نکردید و در دین باطل ماندید ندانسته‏اید بدانید علی علیه السلام و حسین بن علی علیه السلام در وقت امامت حجت بودند شفاعت میکردند الان حجیت‏ ندارند تا ایشان را شفیع میسازند.حجیت ایشان تمام شد منسوخ،باید در وقت تشفع، حجج امروز را که میرزا علی محمد و من باشم شفعاء خود سازید چون اعتقاد به حجیت مرتضی‏ علی و حسین بن مرتضی علی علیه السلام امروز دارید باید شما را تنبیه و سیاست کنم.بیچارگان را بچوب بسته که بعد از این این غلطها را نکنید،و در مجلس دیگر حاج ابراهیم خان صراف را بچوب بسته بود آه و فریاد میکشید که آقا من زیارت یازده امام را کرده‏ام بحرمت ایشان‏ مرا مضروب مساز-کفر و غلطی که کفربین بوده تابحال احدی از شیاطین جنیه و انسیه ماضیه‏ و آتیه جرأت این غلط و کفر را ندارند که گفته باشند و یا بگویند.حکایت کفر کفر نیست‏ ولی قلم یا رای ندارد که تحریر سازم.خلاصه ملعون بمرتبه‏ای جسارت و جرأت بهم رسانیده‏ در همه نوامیس شرعیه تصورات خلافیه قطعیه شرعیه عقلیه کرده که مزدک که جعل این دین‏ باطل کرده با آنکه در زمان دین زردشت که حالش معلوم است نتوانست اینگونه تصرفات در نوامیس دین زردشت نماید.

امشب که شب نهم شوال است در قتال و جهاد مشغولیم قریب به دویست و بیست نفر از طرف‏ اهل دین منیف سید المرسلین صلی اللّه علیه و آله و قریب سیصد و شصت نفر از مرتدین کشته شده‏ الحمد للّه امداد و نصرت از حضرت شهنشاه ناظم ثغور دین‏پرور و سلیمان مغیث عدالت‏گستر ناصر الدین شاه دام ظله العالی که هفت اراده توپ و پنج فوج عسگر روانه فرموده بامره نجیب‏ عاقل کامل رسید کیاست‏آمیز محمد خان امیر الامراء العظام نخبة الاعیان و الاشراف الکرام خلف‏ صالح هدایت خان مبرور مرحوم عطر اللّه مضجعه الشریف رسید انشاء اللّه المعین الموفق در ظرف‏ دو روز قلع و قمع میفرمایند انشاء اللّه العزیز القهار عزت اسمائه الشریفه.

در جای دیگر مینویسد:

«باز عرض میکنم معلوم شد که در جهاد در موارد عدیده واجب عینی است مشروط باذن‏ نیست از جمله احاطه اعداء دین و ملت به بلد است و نظیر و اغلظ از او جهاد ما با جماعت‏ بابیهء ملا محمد علی و اتباع آن که در توی سورقلعه نصف شهر را آنها داشتند و نصف را ما اهل‏ شریعت مقدسه که بر ما که نصف اهل بلد بوده تقریبا و نصف دیگر با او بودند و بقدر دویست‏ یا سیصد نفر از بلاد خارجه رسیده بودند جهاد و دفاعشان واجب عینی بوده است بلکه در این‏ در صورت جهاد بر هر ذی قوی واجب است استثنا ندارد مثلا بر زن هم واجب است هرچند شوهردار باشد و احتیاج باذن و ترخیص او نیست.»

همچنین در مبحث قتل مینویسد:

«....چون نذر ضمیری کرده بودم بدون تلفظ بجلاله که ملا محمد علی شیطان ثانی‏ منکر دین منیف محمدی و کتاب اللّه و قبله و معاد و نماز و روزه و زکوة و خمس و حجة الاسلام‏ و معتقد بدین جدید اختراعی،در جهاد و قتال کشته شود مسائل دیگر که اهم واجب است شروع‏ بآنها نمایم.الحمد للّه العزیز الحکیم المنان کشته شد با سوء حال و همه اهل ایمان خاصه اهل‏ مبالات شاد و مسرور شدند زیاده بر این شب فرصت ندارم فردا شب که شب چهارشنبه است چهارم‏ ماه ربیع المولود است وقت نذر ضمیری من است که اولی و احوط آنکه عمل بنذر قلبی نمایم..»

مجلهء یغما:اگر آقای ضیائی قاضی شریف دادگستری،اسناد دیگر از این‏گونه‏ -و گرچه از طرفین باشد-بدفتر مجله بفرستد در روشن شدن تاریخ قرن اخیر ایران روزنه‏ای‏ است.اقوال معمرین زنجان هم بی‏ارزش نیست.